



History & Culture

Vol. 51, No. 1, Issue 102

Spring & Summer 2019

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v51i1.75687>

تاریخ و فرهنگ

سال پنجاه و یک، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲

بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۵-۹

جایگاه قرآن در مطالعات تاریخ صدر اسلام*

دکتر عبدالرحیم قنوات

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: ghanavat@um.ac.ir

چکیده

قرآن کریم، به‌عنوان متن اصلی دین اسلام، اشارات فراوانی به حوادث و اشخاص تاریخ صدر اسلام دارد. این اشارات موجب شده تا گاهی این کتاب مقدس اثری تاریخ‌نگارانه قلمداد شود و حتی از سبک تاریخ‌نگاری قرآن سخن به میان آید و کتب و مقالاتی در این باره نوشته و منتشر شود. این مقاله به نقد و بررسی این موضوع پرداخته و با تفکیک دو مفهوم «متن تاریخی» و «سند تاریخی» به این سؤالات پاسخ می‌دهد که «آیا قرآن را می‌توان یک اثر تاریخی دانست؟» و «در مطالعات تاریخ صدر اسلام چه استفاده‌هایی از آن می‌توان برد؟» نتایج این جستار نشانگر آن است که اگرچه قرآن را نمی‌توان کتابی تاریخی دانست، این متن مقدس دربارهٔ حوادث تاریخی سال‌های نبوت پیامبر اکرم (ص) سندی دست‌اول و منحصر به فرد به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تاریخ صدر اسلام، متن تاریخی، سند تاریخی.

The Status of the Qur'an in the Studies of the Early Islam's History

Dr. Abdul Rahim Qanavat

Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The Holy Quran, as the basic scripture of the Islam, contains a host of references to the events and persons at the early days of Islam. Informed by these references, this holy scripture is sometimes considered as a historiographical work, with some scholars even speaking of the historiographical style of the Qur'an, which has also been the subject of several books and articles. This paper delves into this issue, and by distinguishing the two concepts of "historical text" and "historical document", seeks to answer the question, "Can Qur'an be considered as a historical work?" and "What implications can it have for the studies of the early Islam's history?" The results of this article reveal that although the Qur'an cannot be exactly categorized as a historical book, it offers an account of the historical events during the era of prophet Muhammad (pbuh), which makes it into a unique primary document.

Keywords: The Holy Quran, Early Islam's History, Historical Text, Historical Document

مقدمه

در خصوص ماهیت و محتوای قرآن گفت‌وگوهایی به میان آمده است. برخی معتقدند قرآن کتابی علمی است فراتر از کتب علمی دیگر که در آن دقیق‌ترین گزاره‌های علمی - از هر رشته و شاخه‌ای - مطرح شده است و بر همین اساس، می‌توان آن را کتابی نه تنها در علوم انسانی بلکه حتی اثری در رشته‌های علوم تجربی و دقیقه قلمداد کرد. همچنین قرآن را کتابی تاریخی هم دانسته و معتقدند تاریخ امت‌های پیشین و انبیا و اقوام مختلف را می‌توان از آن استخراج کرد. در این باره می‌توان به آثاری از جمله مکتب تاریخی قرآن اثر عزت‌الله رادمنش اشاره کرد که با فرض این‌که قرآن یک اثر تاریخ‌نگارانه و در مقایسه با آثار تاریخی دیگر دارای راه و روش، سنت و مکتب خاصی است، نوشته شده است. نیز در تاریخ در قرآن اثر مجید کافی هم از تاریخ‌نگاری قرآن سخن به میان آمده و به بررسی جوانب آن پرداخته شده است. جز این می‌توان از کتاب نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن اثر محمد حسین دانش‌کجا اشاره کرد که در آن به تشابهات، تفاوت‌ها و تعارض‌های گزارش‌های تاریخی قرآن با منابع دیگر پرداخته شده است. همچنین تاریخ اسلام از منظر قرآن نوشته یعقوب جعفری با ارائه گزارش‌هایی از تاریخ صدر اسلام، در هر مورد آیه یا آیات مربوط به آن را نیز آورده است. در این میان، اثر منصور داداش‌نژاد تحت عنوان سیره‌نویسان و قرآن که در آن سیر مراجعات و ارجاعات نویسندگان کتب سیره به قرآن به صورتی دقیق بررسی شده، اثری متفاوت است و در چهارچوب کتبی که از آن‌ها یاد شد، قرار نمی‌گیرد.

البته روشن است که در قرآن کریم در خصوص پیشینیان به فراوانی سخن به میان آمده و نیز حوادث عصر پیامبر اکرم (ص) به فراوانی در آن بازتاب یافته است، تا جایی که به نظر می‌رسد بتوان نخستین کتاب‌های سیره و معازی را آثاری در تفسیر این دسته از آیات قرآن به شمار آورد. حداقل این است که قرآن عناوین و سرفصل‌های مهم تاریخ این دوران را در اختیار اولین نویسندگان معازی و سیره قرار داده است. با وجود این آیا می‌توان قرآن را یک متن و اثر تاریخ‌نگارانه دانست یا باید آن را سندی قلمداد کرد که حوادث عصر نبوی به گستردگی در آن منعکس شده است؟^۱ به راستی معیار سنجش در این خصوص چه می‌تواند باشد؟ در این مقاله همچنین به این سؤال پاسخ داده شده که در مطالعات تاریخ صدر اسلام چه استفاده‌هایی از قرآن می‌توان برد؟ در مقدمه مقاله، برخی از کتب و مقالات در حوزه‌های علوم قرآنی و تاریخ صدر اسلام (از جمله محمد در مدینه و محمد در مکه از موتگمری وات) که به موضوعی مشابه

۱. سند تاریخی اثری نیست که ضرورتاً با هدف تاریخ‌نگاری خلق شده باشد؛ بلکه می‌تواند مشتمل بر مکتوبات مختلف از جمله کتب حقوقی، آثار ادبی، متون دینی، حکم‌ها، قراردادهای و حتی ابزار، البسه، ابنیه و دیگر چیزهایی باشد که اگرچه با هدف تاریخ‌نگاری خلق نشده‌اند، اطلاعاتی تاریخی در اختیار آیندگان قرار می‌دهند.

موضوع پژوهش کنونی پرداخته‌اند، معرفی شده است و شاید نقد و معرفی یا دست‌کم اشاره‌ای به آن‌ها خالی از لطف نباشد.

۱- آیا قرآن یک کتاب تاریخی است؟

آنچه ذهن را به دادن حکمی درباره تاریخ بودن قرآن سوق می‌دهد، کثرت آیاتی است که به حوادث تاریخی پرداخته‌اند؛ ولی باید به این نکته مهم و روش‌شناسانه توجه کرد که کتابی را تنها به دلیل اشاره کردن به موضوعات مربوط به یک رشته نمی‌توان به آن حوزه دانش نسبت داد؛ این شرطی است لازم ولی کافی نیست؛ زیرا این روش بیان مطالب است که دارای اهمیت درجه اول است و اصولاً متد و شیوه هر کتابی است که آن را به حوزه‌ای معین از علوم متعلق می‌سازد. به‌عنوان نمونه، در یک کتاب فلسفی از شیوه استدلال‌های منطقی مانند قیاس و استقراء استفاده می‌شود و روش به‌کارگرفته‌شده در یک کتاب شیمی، تجربی و متکی به عملیات آزمایشگاهی است. بر این اساس رمانی را که ماجرای آن در جنگلی می‌گذرد و در آن به فراوانی از درخت و سبزه و آب و میوه و گل و حیوانات و پرندگان سخن به میان آمده است، نمی‌توان اثری در جنگل‌شناسی به شمار آورد. نیز نمی‌توان شرح حال یک پزشک مشهور را که در آن از اصطلاحات رایج در طب استفاده شده، کتابی در پزشکی دانست.

اگر میان روش‌های کتب تاریخی و روش بیان آیات تاریخی در قرآن، مقایسه‌ای صورت دهیم، تفاوت آن‌ها کاملاً مشخص می‌شود. کتب تاریخی معمولاً با تکیه بر روشی خاص، اطلاعاتی دقیق و جزئی درباره «زمان، مکان و سیر وقوع حوادث» به دست می‌دهند و به‌خصوص - به فراوانی - از افراد و اشخاص (قهرمانان تاریخی) سخن می‌گویند؛ اما واقعیت این است که قرآن هنگام اشاره به موضوعات و حوادث تاریخی، به چنین جزئیاتی توجه نشان نمی‌دهد. ویژگی مهم کتب تاریخی کوشش برای ثبت دقیق زمان وقایع تاریخی است و معمولاً همین تعیین وقت حوادث را «تاریخ‌نگاری» و وظیفه اصلی مورخان دانسته‌اند.^۱ نیز کتب تاریخی سرشار از نام و نسب اشخاص مختلفی است که در وقایع تاریخی نقشی ایفا کرده‌اند؛ اما واقعیت این است که در قرآن به تقویم (تعیین وقت حوادث) توجهی نشده است و زمان رخ دادن حادثه‌ای معین نشده است.^۲ حتی از نظر خالق این کتاب، نام و نسب اشخاص نیز اهمیتی ندارد؛ به‌گونه‌ای که در سراسر قرآن و در آیات متعددی که به حوادث صدر اسلام اختصاص یافته، تنها از سه تن:

۱. کافیتی واژه تاریخ را برگرفته از «ماه روز» فارسی (نگه داشتن حساب ماه‌ها و روزها) دانسته و گفته است که تاریخ در لغت نشانگر وقت است. درباره نظرات او در این باره رک: محمد بن سلیمان کافیتی، «المختصر فی علم التاریخ» در تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، نوشته فرانتس روزنتال (مشهد: به‌نشر، ۱۳۶۸ش)، ۶۱-۵۹.

۲. شاید تنها استثنا در این باب، آیات ۴-۱ سوره روم باشد که در آن‌ها به تاریخ شکست و پیروزی رومیان اشاره‌ای بسیار مبهم شده است.

محمد (از آن حضرت با نام «احمد» هم در قرآن یاد شده است^۱)، زید بن حارثه و ابولهب نام برده شده است. از همسر وی، ام جمیل، نیز با تعبیر «امراته» یاد شده است.

جالب این است که برخی بدون توجه به این نکات، اشارات تاریخی قرآن را نوعی تاریخ‌نگاری تلقی کرده و از «مکتب تاریخی قرآن» سخن گفته‌اند. در چنین نوشته‌هایی، دیدگاه‌های نویسنده به آیات قرآن نسبت داده شده است و معمولاً با ادبیاتی امروزی نظراتی در این باره مطرح می‌شود. مشکل چنین نوشته‌هایی این است که بدون در نظر داشتن معنی لفظی و اصطلاحی تاریخ در میان مورخان، اشارات تاریخی قرآن را مصداقی از تاریخ‌نگاری قلمداد کرده‌اند.^۲ اما برخی از پژوهشگران به هدف اصلی قرآن از اشاره به حوادث تاریخی نظری دقیق‌تر انداخته‌اند. رژی بلاشر معتقد است: دلیل آمدن قصص تاریخی در قرآن با توجه به این که مخاطبان وحی در آن روزگار کم‌وبیش از آن‌ها آگاه بوده‌اند، این است که قرآن به نحوی جدید از این قصص و داستان‌ها استفاده کرده است و آن در حقیقت به کاربرد آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای انذار مخاطبان و فهماندن آن است که اگر اسلام نیاورند و از پیامبر اکرم (ص) تبعیت نکنند، به سرنوشت پیشینیان دچار خواهند شد. او این را روشی شناخته شده برای دعوت به اسلام و ایمان دانسته است.^۳

بر این اساس، آنچه می‌توان به قرآن نسبت داد آن است که غرض خالق این کتاب از پرداختن به چنین موضوعاتی، تربیت و هدایت مخاطبان است و بنا به دلایل ذکر شده نمی‌توان آن را به‌عنوان یک متن تاریخی مورد توجه قرار داد، در عین حال، می‌توان به چشم یک سند و منبع مهم تاریخ دوره نبوی به آن نگریست و در این چارچوب از آن به فراوانی بهره برد.

۲- مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن به‌عنوان یک سند تاریخ صدر اسلام

قرآن دارای ویژگی‌هایی است که آن را به منبعی مهم در زمینه مطالعه تاریخ صدر اسلام تبدیل ساخته است:

۲-۱- قدمت

در مطالعه یک دوره تاریخی، توجه محقق در مرحله نخست معطوف است به قدیم‌ترین آثار که در خصوص حوادث و رویدادهای دوره مزبور در دسترس او قرار دارد. زیرا با مراجعه به این آثار، برای مورخ این امکان به وجود می‌آید که به نزدیک‌ترین و اصیل‌ترین تصویر از حوادث دوره مورد نظر دست یابد.

۱. صف، ۶.

۲. به‌عنوان نمونه، رک: عزت‌الله رادمنش، «مکتب تاریخی قرآن» در دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، زیر نظر حسن حضرتی (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش)، ۵۹-۲۱.

۳. رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش)، ۲۰۴-۲۰۳. در قرآن نیز به این نکته اشاره شده است: «ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للممتین» (این کتابی است که شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است) (بقره، ۲).

اهمیت مراجعه به «قدیم‌ترین سند» در تحقیقات تاریخی - بر اساس این پیش‌فرض که نزدیکان به یک واقعه، آن را از کسانی که فاصله زمانی بیشتری از آن دارند، بهتر می‌شناسند - گرچه در برخی اظهارنظرها در زمینه معرفت‌شناسی جدید جایگاه ویژه‌ای ندارد و حتی یک «گمان ساده لوحانه» قلمداد شده است،^۱ نزد مورخان به حدی است که عدم رعایت این اصل می‌تواند نتایج کار یک محقق تاریخ را با شکوک و شبهاتی جدی مواجه کند و اعتبار و اتقان آن را در بوته تردید و سؤال دراندازد.

نزد مورخان، استناد به قدیم‌ترین سند و مأخذ، بر اتقان و استحکام نتایج کار محقق می‌افزاید؛ ولی ارجاع به مأخذ و اسناد دست دوم و غیر اصیل - مگر در مواردی خاص - موجب وهن و بی‌اعتباری نتیجه تحقیق است. بر محققان تاریخ روشن است که در روند مراجعه به «قدیم‌ترین سند» دسترسی و مراجعه به منابع و مأخذی که همزمان با واقعه و رخدادی تاریخی خلق شده‌اند و پدیدآورندگان آن‌ها خود از شاهدان آن واقعه بوده‌اند، اهمیتی مضاعف دارد.

با این تفاسیل منزلت قرآن در مطالعه تاریخ صدر اسلام روشن و آشکار است. قرآن نه تنها قدیم‌ترین سند تاریخ صدر اسلام بلکه تنها مأخذ و متنی است که همزمان با رخدادها و وقایع این تاریخ خلق گردیده است. اگر قرآن را از این نظر با قدیم‌ترین سیره نبوی مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که قرآن از سیره مشهور ابن اسحاق حدود یک قرن و نیم قدیم‌تر است.^۲ دارا بودن این ویژگی، محقق تاریخ اسلام را مطمئن می‌سازد که به کمک قرآن می‌توان به اصیل‌ترین وجه از حوادث و رخدادهای تاریخ صدر اسلام دست یافت.

۲-۲- اعتبار

عوامل و دلایل متعددی می‌توانند اعتبار یک کتاب و مأخذ تاریخی را زیر سؤال ببرند که مهم‌ترین آن‌ها قلب واقعیت توسط مؤلف و یا تغییر و تبدیل مطالب آن توسط افراد دیگر است.

صحیح بودن مطالب و محتوای قرآن در درجه اول یک بحث کلامی است؛ صادق بودن از صفات ثبوتیه خداوند است و در این علم اثبات می‌شود که خداوند سخن راست و حق می‌گوید و دروغی نمی‌پردازد. بنابراین، قرآن که کلام الله است، سخن صحیح و صادق است و در این جای تردیدی نیست. حال اگر از این مطلب کلامی - که خارج از حیطه تاریخ و مطالعات تاریخی است - درگذریم و توجه خود را از صداقت خالق قرآن، به صداقت آورنده آن، یعنی پیامبر اسلام معطوف گردانیم، بهتر می‌توان در این باره

۱. عبدالکریم سروش، «از تاریخ بیاموزیم» در تفرج صنع (تهران: صراط، ۱۳۷۳ش)، ۲۵۸.

۲. ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن یسار در حدود سال ۸۰ق به دنیا آمد و در سال ۱۵۱ق درگذشت. او کتاب مشهور خود را که به سیره ابن اسحاق مشهور شده، در ایام خلافت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) نوشت. ر.ک: سیدعلی آل داود، «ابن اسحاق» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی (تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ش)، ۵، ۸؛ سهیل زکّار، مقدمه بر سیره ابن اسحاق (بی‌جا، دارالفکر، ۱۹۷۸م)، ۱۲-۱۳.

سخن گفت و آن را محک زد. تأمل در شرح حال پیامبر اکرم (ص)، دلایل فراوانی را در خصوص سلامت اخلاقی، راست‌گویی و صداقت او به‌عنوان يك شخص - و نه حتی پیامبر خداوند - به‌دست می‌دهد و این مطلبی است که هیچ مورخ منصفی - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - در آن تردید نکرده است و حتی دشمنان پیامبر نیز قبل و بعد از ظهور اسلام به آن اعتراف کرده‌اند. بنابراین، حتی اگر جنبه آسمانی قرآن را در این مقام نادیده انگاریم و آیات آن را جدای از مبدأ الهی آن، کلامی بدانیم که بر زبان پیامبر جاری شده است، نزد مورخان و محققان تاریخ اسلام در درستکاری، امانت، راست‌گویی و وثوق بیان‌کننده این آیات تردیدی نیست و تاریخ دامن او را از هرگونه خیانت، فساد، نادرستی و ناراستی مبرا ساخته است.^۱ بنابراین، چه به اعتبار خالق و مبدأ اصلی قرآن توجه کنیم و چه وثوق و صداقت بیان‌کننده آن را مدنظر قرار دهیم، در هر حال می‌توان به اعتبار و اتقان قرآن - به‌عنوان يك سند تاریخ اسلام - مطمئن شد و نتیجه گرفت که در آیات این کتاب از طرف خالق و آورنده آن، خلاف و خطایی وارد نشده است.

يك دليل مهم ديگر در اثبات عدم تحريف واقعيتهای تاریخی در قرآن این است که به دلیل آن‌که پیامبر اکرم (ص) آیات قرآن را همزمان با وقایع و حوادث بیان می‌کرد و آن‌ها را به‌صورت آشکار و علنی، در جمع دوست و دشمن می‌خواند، اصولاً امکانی برای تحریف واقعیتهای وجود نداشت؛ زیرا در صورت رخ دادن چنین موضوعی، همگان بسرعت آن را درمی‌یافتند. برخی از معاصران آنجا که از داستان حمله سپاه فیل به مکه و تار و مار شدن آن توسط پرندگان که در آسمان به پرواز درآمده بودند، سخن می‌گویند، به‌عنوان دلیلی بر وقوع قطعی این داستان شگفت، آورده‌اند که به دلیل آنکه آیات سوره فیل هنگامی نازل شده است که برخی شاهدان این واقعه هنوز زنده بوده‌اند، چنانچه محتوای آیات قرآن خلاف واقع بود، این گروه آن را رد و انکار می‌کردند؛ ولی همین عدم انکار، نشانه درستی گزارشی است که قرآن از این واقعه ارائه کرده است.^۲

البته سخن در این باره به همین جا خاتمه نمی‌یابد؛ زیرا برای اثبات اعتبار و صحت مطالب يك اثر تاریخی، تنها اعتبار پدیدآورنده آن کافی نیست؛ چه بسیار اسناد و آثار تاریخی که توسط نویسندگان و مورخان امین و حقیقت‌گو تألیف و تدوین گردیده‌اند؛ ولی همزمان با خود آنان و یا در دوره‌های بعد به‌عمد و یا از سر غفلت مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته‌اند. چه بسیار اشتباه‌ها و تغییرات که توسط نسخه‌نویسان وارد متون تاریخی گردیده و موجبات گمراهی محققان و خوانندگان این آثار را فراهم آورده است و

۱. قریش به پیامبر لقب امین داده بودند و امین به معنی فرد امانتدار، راستگو، باوقار، خوش‌خلق، کریم و شرافتمندی است که از ناپاکی‌ها و گناهان اجتناب می‌کند. عبدالملک ابن‌هشام، السیره النبویه، به‌تصحیح مصطفی السقا و دیگران (بی‌جا: دارالقلم، بی‌تا)، ۱۹۴/۱.

۲. محمود رامیار، در آستانه سالزاد پیامبر (ص) (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش)، ۱۲۷؛ عباس زریاب، سیره رسول الله (تهران: سروش، ۱۳۷۰ش)، ۴۹.

نیز چه بسیار تغییر و تبدیل‌ها که به دلایل سیاسی، فرقه‌ای و حتی شخصی، توسط منحرفان و افراد مغرض در این آثار راه یافته و حذف و اضافاتی که در این خصوص صورت پذیرفته است. بنابراین، محقق تاریخ برای اطمینان از اعتبار و وثوق هر سند و مأخذی، باید از عدم حذف و اضافات سهوی یا عمدی در آن اطمینان یابد. به همین دلیل است که استناد به کتب تحریف‌شده همواره موجب کاسته شدن از اعتبار نتیجه تحقیقات مورخان است. اکنون می‌توان قرآن را به‌عنوان یک سند تاریخ اسلام با این محک سنجید و این پرسش را طرح کرد که آیا می‌توان به عدم تغییر و تبدیل قرآن در دوره‌های بعد مطمئن شد؟

به این سؤال از دو منظر می‌توان پاسخ گفت:

الف) از دیدگاه کلام

ب) از دیدگاه تاریخ

از نظرگاه علم کلام اسلامی، قرآن کتابی است که تحریف نشده و تغییر و تبدیلی در آن صورت نگرفته و خداوند خود گفته است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ (همانا ما قرآن را نازل کردیم و خود حافظ آن هستیم). متکلمان مسلمان در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، موضوع تحریف قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند و دلایل متعددی بر عدم تحریف آن اقامه کرده‌اند. در گذر سده‌های مذکور شماری نیز سخن از تحریف قرآن به میان آورده‌اند و برای اثبات عقیده خود دلایلی ترتیب داده و در مواردی نادر، آثاری در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند؛ ولی عموم مسلمانان و علمای آنان، نظر خاص ایشان را منکر شده و دلایل آنان را پاسخ داده‌اند.

آیت‌الله ابوالقاسم خویی به تفکیک انواع تحریف در قرآن پرداخته است. بر اساس تقسیم‌بندی او، تحریف می‌تواند چند معنی داشته باشد:

- ۱- تحریف معنوی یعنی بردن و تاویل معنی کلمه به جایی که برای آن وضع نشده است. شکی نیست که این نوع تحریف در طول تاریخ اسلام به فراوانی صورت پذیرفته است.
- ۲- تحریف به معنی کم و زیاد کردن حروف و حرکات بدون اینکه به اصل قرآن خدش‌های وارد شده باشد. به نظر ایشان این نوع تحریف نیز صورت گرفته است.
- ۳- تحریف به معنی کاستن یا اضافه کردن یک یا دو کلمه بدون اینکه به اصل قرآن خدش‌های وارد شود. ایشان می‌گویند که این کار پیش از مدون شدن مصحف عثمان رخ داده بود و عثمان با تدوین مصحف و سوزاندن نسخه‌های پراکنده، این مشکل را برطرف کرد.
- ۴- تحریف به معنی کاستن و افزودن در آیات و سوره با حفظ اصالت قرآن و تسلیم شدن به قرائت

پیامبر اکرم (ص). مانند اختلافی که بر سر اصیل یا اضافی بودن بسمله رخ داده است.

۵- تحریف به معنی افزودن چیزی به قرآن. به گفته خوبی اجماع مسلمانان آن را رد کرده است.

۶- تحریف به معنی نقص و کاستن از قرآن. یعنی اینکه متن قرآن کامل نیست و افتادگی دارد. آیت الله خوبی گفته است این نظری اختلافی است و خود فصلی را به بررسی و اثبات بطلان آن اختصاص داده است.^۱

اما از نظرگاه علم تاریخ، با تمسک به دلایل زیر می توان به عدم تحریف آیات تاریخی قرآن (قید "تاریخی" تنها به دلیل موضوع مقاله به کار برده شده است) حکم داد:

۲-۲-۱- مطالب و محتوای متون و مآخذ معتبر تاریخ اسلام که از طریق روایان نقل و توسط مورخان جمع آوری گردیده است، با آیات تاریخی قرآن تفاوت عمده ای ندارند بلکه در بیشتر موارد بر این آیات منطبق اند. به عنوان نمونه محمد بن عمر واقدی، مغازی نویسنده های دوم و سوم هجری، هنگام بحث پیرامون هریک از غزوات صدر اسلام، پس از آوردن تمامی روایت های مربوط به آن نبرد، آیاتی از قرآن را که درباره آن واقعه نازل شده، آورده است که با روایت روایان هماهنگی کلی دارند.^۲

۲-۲-۲- یکی از مهم ترین دلایلی که ما را از عدم تحریف آیات تاریخی قرآن مطمئن می سازد، این است که اصولاً ریشه تحریف و تغییر متون تاریخی، در اغلب موارد، منافع فرقه ای و سیاسی است. از طرف دیگر می دانیم که در تاریخ اسلام، دعواهایی از این دست، پس از درگذشت پیامبر اکرم (ص) آغاز شد و در دهه ها و سده های بعد اوج گرفت، لذا مطالب تاریخی قرآن ارتباطی با این اختلافات و نزاع ها ندارند و چون در قرآن به صراحت به هیچ یک از این موارد اشاره نشده است، نسل های بعدی انگیزه ای قوی برای تحریف آیات تاریخی قرآن نداشتند و در این خصوص حداکثر به تحریف و تأویل های معنایی دست زدند و متعرض متن قرآن نشدند. این که عمار یاسر در جنگ صفین، خطاب به بنی امیه می گفت: «نحن صَبْرٌ بناکم علی تنزیله والیوم نَضْرِبُکم علی تأویله»^۳ (ما روزی با شما بر سر نزول قرآن جنگیدیم و امروز بر سر معنی و تأویل آن با شما می جنگیم) شاهد این مدعاست.

قابل ذکر است که حتی اگر روشن شود در مورد یا مواردی خاص در آیات تاریخی قرآن تغییر و تحریفی صورت گرفته است (و این موضوعی است که مسلمانان متفقاً آن را مردود می دانند)، این موضوع نمی تواند سندیت تاریخی قرآن را از بین ببرد؛ زیرا محققان تاریخ به کمک روش ها و متدهای علمی قادرند

۱. ابوالقاسم خوبی، البیان فی تفسیر القرآن (بی جا: بی نا، بی تا)، ۲۱۸-۲۱۵/۱. نیز رک: بهاء الدین خرمشاهی، «تحریف ناپذیری قرآن» در دایرة المعارف تشیع (تهران: نشر سعید محبی، ۱۳۷۳ش): ۱۴۳-۱۵۶.

۲. رک: محمد بن عمر واقدی، المغازی، به تصحیح مارسدن جونس (بی جا: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۹)، بخش های مختلف از جلد های ۱، ۲، ۳.

۳. بهاء الدین خرمشاهی، «تأویل» در دایرة المعارف تشیع (تهران: نشر سعید محبی، ۱۳۷۳ش): ۶۱.

تا حد زیادی سره و ناسره مطالب يك متن را تمییز دهند و تغییر و تبدیل های وارد شده در آن را مشخص کنند. مثلاً در خصوص تاریخ مشهور طبری، تاریخ الرسل والملوک، مورخان شیعه بسیاری از مطالب آن کتاب ذیل حوادث سال های ۱۱ق تا نیمه های دههٔ چهل قمری را به دلیل اتکای نویسنده به راویانی ضعیف، نامعتبر می‌شمردند؛ در حالی که مطالب همین نویسنده در مورد قیام و شهادت امام حسین بن علی (ع) را به دلیل اتکای او به راوی مورد وثوق یعنی ابومخنف ازدی، مورد استناد قرار می‌دهند. نتیجه آن که وقوع تحریف و دگرگونی در بخشی از يك کتاب عظیم نمی‌تواند اعتبار و وثوق آن را به صورت کامل مخدوش سازد.

۲-۳- توانایی حل اختلافات تاریخی

به دلیل قدمت و اعتباری که قرآن واجد آن است، آیات تاریخی آن می‌توانند در خصوص برخی اختلافات مورخان، نظر نهایی تلقی گردیده و راه این اختلافات را ببندند. البته لازم است در این باره از تأویل آیات خودداری کرد و تنها در مواردی که آیه یا آیات مورد نظر، به موضوعی تصریح کرده‌اند و این تصریح نزد عموم ادیبان و مفسران و مورخان قطعی است، به آن‌ها استناد کرد.^۱ در خصوص قابلیت قرآن در حل برخی از اختلافات تاریخی به ذکر يك مثال بسنده می‌کنیم:

یکی از حوادث صدر اسلام ماجرای پیمان‌شکنی قبیلهٔ یهودی بنی قریظه در جریان جنگ خندق و محاصره و مجازات آن‌ها توسط پیامبر اکرم (ص) است. بنا بر تصریح مورخان، مردان این قبیله اعدام شدند و دیگر اعضای این قبیله نیز اسیر گردیدند و اموالشان هم مصادره شد.^۲ این ماجرا اگرچه مورد اتفاق نظر عموم مورخان تاریخ اسلام است، بنا به دلایلی از طرف برخی از نویسندگان مورد تردید قرار گرفته است. دکتر سید جعفر شهیدی در کتاب تاریخ تحلیلی اسلام در این خصوص به بحث و بررسی پرداخته و برای انکار وقوع این رخداد، دلایلی ترتیب داده است.^۳ جدای از صحت و سقم این دلایل، با رجوع به قرآن مشاهده می‌شود که برخی از آیات به صراحت از سرانجام بنی قریظه سخن گفته‌اند:

«و انزل الذین ظاهروهم من اهل الکتاب من صیاصیهم و قذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و

۱. گفتنی است که بسیاری از روایات و گزارش‌هایی که تحت عنوان شأن نزول آیات قرآن در منابع به‌ویژه کتب تفسیر آمده، نادرست و متعلق به دوره‌ای است که فارق مختلف برای به کرسی نشاندن سخنان خود، آیات قرآن کریم را به این شیوه تفسیر و تأویل می‌کردند. بر این اساس، باید به این نکته مهم توجه کرد که شأن و ارزش این قبیل گزارش‌ها به هیچ وجه با ارزش آیات قرآن برابری نمی‌کند. متأسفانه برخی متوجه این موضوع مهم نشده و برای روایات شأن نزول، ارزشی برابر آیات قرآن تصور کرده‌اند.

۲. به عنوان نمونه، نک: واقدی، المغازی، ۵۰۹/۲ به بعد؛ ابوالحسن بلاذری، فتوح البلدان (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۷۸)، ۳۴-۳۶؛ ابن هشام، السیرة النبویه، ۲۴۰/۳ به بعد؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری (بی‌جا: دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۸)، ۱۰۰/۲ به بعد؛ علی بن الحسین مسعودی، التنبیه و الاشراف (قاهره: دارالصابی، بی‌تا)، ۲۱۷.

۳. نک: سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام (تهران: علمی و فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳ش)، ۸۷-۹۰.

تاسرون فریقاً و اورثکم ارضهم و دیارهم و اموالهم...»^۱

(از اهل کتاب آن گروه را که [در نبرد احزاب] به یاری ایشان (مشرکان) برخاسته بودند، از قلعه‌هایشان فرود آورد و در دل‌های آنان بیم انداخت. گروهی را کشتید و گروهی را به اسارت گرفتید و خداوند زمین و خانه و اموالشان را به شما واگذاشت).

این چنین راه هرگونه تردید در این باره بسته می‌شود و از تشتت و اختلاف جلوگیری به عمل می‌آید.

۲-۴- اشتغال بر مطالب اختصاصی

آیات تاریخی قرآن البته جامع جزئیات حوادث صدر اسلام نیست؛ ولی بنا به سبک و سیاق این کتاب، گاه در آن به مطالب و موضوعاتی اشاره شده است که در متون و اسناد تاریخ اسلام ثبت نشده‌اند؛ از جمله این موارد، حالات روحی و روانی مسلمانان و دشمنان آن‌ها در حوادث مختلف است. یکی از حوادث تاریخ صدر اسلام ماجرای پیمان‌شکنی قبیله یهودی بنی نضیر و به دنبال آن محاصره قلعه آنان توسط مسلمانان و سرانجام اخراج ایشان از شهر مدینه است. این واقعه که همراه با ذکر جزئیات آن، در متون و مأخذ تاریخ اسلام مندرج است، در هفت آیه قرآن نیز منعکس شده است.^۲ این آیات شامل تمامی جزئیات این واقعه نیستند؛ ولی در آیه دوم سوره حشر به مطلبی اشاره شده است که در متون تاریخ اسلام به چشم نمی‌آید. در این آیه آمده است: «... و ما ظننتم ان یخرجوا و ظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله...» (شما گمان نمی‌کردید که آن‌ها خارج شوند و آن‌ها هم حصارهای محکم خود را مانع از دسترسی خداوند به خود می‌دانستند).

قرآن در این آیه به وضع روحی و روانی مسلمانان در آغاز درگیری اشاره کرده است و از این که آنان چیره شدن بر دشمن را تصور نمی‌کرده‌اند، سخن گفته است و نیز به تصور دشمن درباره مصون ماندن از هجوم مسلمانان در پشت دیوارهای دژهایشان اشاره کرده است و ما می‌دانیم که چنین موضوعاتی، در متون و مأخذ تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۳- موضوعات، دسته‌ها و اشخاص مرتبط با تاریخ صدر اسلام در قرآن

در میان سوره‌های ۱۱۴ گانه قرآن، ۲۰ سوره بر اساس موضوعات، حوادث، دسته‌ها و شخصیت‌های تاریخ صدر اسلام نام‌گذاری شده است. این سوره‌ها عبارت‌اند از:

۱. اسرا (سیر شبانه پیامبر از مکه به بیت المقدس).

۱. احزاب، ۲۶-۲۷.

۲. آل عمران، ۱۷۸؛ حشر، ۶۲.

۲. شعرا (گروهی که در آن تاریخ در جامعه جاهلی عربستان نقش و جایگاهی خاص داشتند).
 ۳. روم (امپراتوری بزرگی که در همسایگی مرزهای شبه جزیره عربستان حضور و نفوذی قابل توجه داشت).
 ۴. احزاب (نام یکی از جنگ‌های صدر اسلام و اشاره به گروه‌ها و دسته‌هایی که این جنگ را به راه انداختند).
 ۵. محمد (قهرمان تاریخ این دوران).
 ۶. فتح (اشاره به فتح خیبر یا مکه).
 ۷. حُجرات (ماجرای آمدن گروهی عرب بدوی به مدینه و نحوه برخورد آن‌ها با پیامبر).
 ۸. ممتحنه (پناهنده شدن زنی مسلمان از مکه به مدینه، درخواست مشرکان برای بازگرداندن او و خودداری پیامبر اکرم (ص) از این کار).
 ۹. جمعه (اشاره به گردهمایی بزرگ عبادی و اجتماعی مسلمانان صدر اسلام در روزی خاص از هفته).
 ۱۰. منافقون (گروهی از مخالفان خطرناک پیامبر در مدینه).
 ۱۱. تحریم (رخدادی خانوادگی مربوط به اختلاف پیامبر اکرم (ص) با دو تن از همسرانش).
 ۱۲. مدثر (اشاره به حالات پیامبر (ص) پس از دریافت وحی و مرحله‌ای خاص از تبلیغ اسلام).
 ۱۳. عَیس (اشاره به داستان مشهور ابن ام مکتوم).
 ۱۴. تکاثر (به حالات روحی و اخلاقی مردم جاهلی).
 ۱۵. هُمَزَه (اشاره به ویژگی‌های شخصیتی برخی از دشمنان پیامبر از جمله ولید بن مغیره، اُخْتَس بن شریق و اُمیة بن خَلَف).
 ۱۶. فیل (ماجرای مشهور حمله ابرهه به مکه که مقارن با تولد پیامبر اکرم (ص) است).
 ۱۷. قریش (قبیله پیامبر، مهم‌ترین قبیله حجاز و سرسخت‌ترین دشمنان او).
 ۱۸. کوثر (ماجرای زخم‌زبان و طعن عاص بن وائل به پیامبر اکرم).
 ۱۹. کافرون (دشمنان پیامبر).
 ۲۰. لهب (در اشاره به کینه‌جویی عمو و دشمن سرسخت پیامبر، ابولهب).
- از این گذشته در آیات قرآن نیز به موضوعات و رخدادهای مربوط به تاریخ اسلام توجه خاصی شده است؛ حوادث و موضوعاتی از قبیل: مُباهله،^۱ جنگ احد،^۲ جاهلیت،^۳ جنگ احزاب،^۴ معراج،^۵

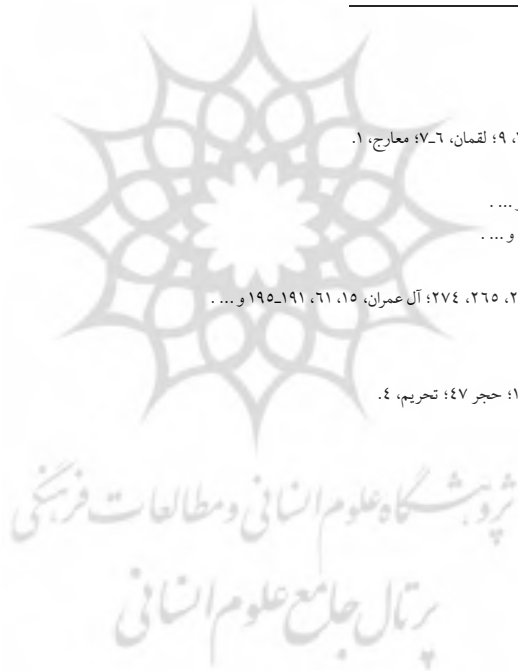
إفك،^۵ جنگ بدر،^۶ بیعت رضوان،^۷ جنگ تبوک،^۸ صلح حدیبیه،^۹ جنگ حنین،^{۱۰} جنگ خیبر،^{۱۱} جنگ ذات السلاسل،^{۱۲} فتح مکه،^{۱۳} لیلۃ العقبه،^{۱۴} یوم الدار^{۱۵} و... این‌ها جملگی موضوعاتی تاریخی‌اند و آیات متعددی از قرآن به آن‌ها اختصاص یافته است.

از دیگر اشارات تاریخی قرآن می‌توان به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی اشاره کرد که در حوادث تاریخ صدر اسلام نقشی ایفا کرده‌اند. برخی از این گروه‌ها عبارت‌اند از: احزاب،^{۱۶} منافقان،^{۱۷} اوس،^{۱۸} اصحاب بدر،^{۱۹} شهدای بدر،^{۲۰} بنی‌امیه،^{۲۱} بنی‌قریظه،^{۲۲} بنی‌نضیر،^{۲۳} خزاعه،^{۲۴} قریش،^{۲۵} انصار،^{۲۶} مهاجران،^{۲۷} سابقان،^{۲۸} اصحاب صفه،^{۲۹} کفار مکه^{۳۰} و...

اشخاص و شخصیت‌های مثبت و منفی تاریخ اسلام نیز مکرراً در قرآن مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ البته

۱. آل عمران، ۱۲۱-۱۲۲، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۱-۱۷۲.
۲. آل عمران، ۱۵۴؛ مانند، ۵۰ و شمار متعددی از آیات.
۳. هود، ۱۷؛ رعد، ۳۶؛ مریم، ۳؛ احزاب، ۲۷-۲۰؛ ص، ۱۱، ۱۳؛ مؤمن، ۵؛ زخرف، ۶۵.
۴. اسراء، ۱.
۵. نور، ۲۷-۱۱.
۶. بقره، ۲۱۴؛ آل عمران، ۱۳؛ انفال، ۱۹-۵، ۳۹-۵۲.
۷. فتح، ۲۷-۱۰.
۸. توبه، ۳۸-۵۹، ۱۱۷-۱۱۸؛ حدید، ۷.
۹. توبه، ۷؛ فتح، ۲۷-۱۰؛ ممتحنه، ۱۱-۱۰؛ کوثر، ۲.
۱۰. توبه، ۲۷-۲۵.
۱۱. فتح، ۱۵، ۱۸، ۱۹.
۱۲. عادیات، ۱۱-۱.
۱۳. فتح، ۲۷-۱؛ حدید، ۱۰؛ صف، ۱۳.
۱۴. توبه، ۷۴.
۱۵. شعرا، ۲۱۴.
۱۶. هود، ۱۷؛ رعد، ۳۶؛ مریم، ۳۷؛ احزاب، ۲۷-۲۰؛ ص، ۱۱؛ مؤمن، ۵؛ زخرف، ۶۵.
۱۷. بقره، ۲۰۸؛ آل عمران، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۶۷؛ نساء، ۶۶-۶۰، ۹۲، ۱۳۸-۱۴۲؛ منافقون، ۸-۱؛ مدثر، ۳۱؛ ماعون ۴-۷ و شمار دیگری از آیات.
۱۸. آل عمران، ۱۰۰-۱۰۳.
۱۹. بقره، ۱۴۸؛ آل عمران، ۱۳.
۲۰. بقره، ۱۵۴-۱۵۵.
۲۱. اسراء، ۶۰.
۲۲. آل عمران، ۱۷۸؛ انفال، ۵۸-۵۵؛ احزاب، ۲۷-۲۶.
۲۳. آل عمران، ۱۷۸؛ حشر، ۶-۲.
۲۴. آل عمران، ۱۰۰-۱۰۳.
۲۵. توبه، ۷؛ قریش، ۲-۱، ۴.
۲۶. بقره، ۲۷۰؛ آل عمران، ۱۹۲؛ انفال، ۷۵-۷۲؛ حشر، ۹؛ توبه، ۱۰۰، ۱۱۷.
۲۷. بقره، ۲۱۸؛ آل عمران، ۱۹۵؛ نساء، ۹۷-۱۰۰؛ انفال، ۷۵-۷۲؛ توبه، ۲۰؛ نور، ۲۲؛ احزاب، ۶؛ حشر، ۹۸ و شمار دیگری از آیات.
۲۸. توبه، ۱۰۰؛ مؤمنون، ۶۱؛ عنکبوت، ۳۹؛ واقعه، ۲۶-۱۰.
۲۹. بقره، ۲۷۳.
۳۰. فاطر، ۴۲-۴۳؛ قمر، ۴۸-۴۳.

بدون ذکر نام و معمولاً به صورتی آشکار و غیر مبهم. این مسلم است مردمی که پیامبر (ص) مستقیماً آیات قرآن را بر آنان می‌خواند، اشارات قرآن به این افراد را به راحتی درک می‌کرده‌اند. شماری از این اشخاص عبارت بودند از: ابن‌ام‌مکتوم،^۱ ولید بن عقیبه،^۲ نَعِیم بن مسعود،^۳ نَضْر بن حارث،^۴ عُمَیْنَة بن حصن،^۵ ابوبکر،^۶ ابوجهل،^۷ ابوسفیان،^۸ علی بن ابی‌طالب (ع)،^۹ فاطمه دختر پیامبر (س)،^{۱۰} عمار یاسر،^{۱۱} عمر بن خطاب،^{۱۲} عمرو بن جموح،^{۱۳} عبدالرحمن بن عوف،^{۱۴} ابوعبیده بن جراح،^{۱۵} ابولبابه،^{۱۶} ابولهب،^{۱۷} ام‌جلیل،^{۱۸} أسامة بن زید،^{۱۹} سلمان فارسی،^{۲۰} صُهَیب بن سنان،^{۲۱} عایشه،^{۲۲} عباس بن عبدالمطلب،^{۲۳} اشعث بن قیس،^{۲۴} أمیة بن خلف،^{۲۵} بلال،^{۲۶} جعفر بن ابی‌طالب،^{۲۷} حاطب بن ابی‌بلتعنه،^{۲۸} حسان بن ثابت،^{۲۹} حفصه،^{۳۰} حمزه،^{۳۱} زینب بنت جحش،^{۳۲} زید بن حارثه،^{۳۳} زُبَیْر بن عوام،^{۳۴} خَبَاب بن اُرت. ^{۳۵} روشن



۱. عیس، ۱-۱۰.
۲. سجده، ۱۸؛ حجرات، ۶.
۳. آل عمران، ۱۷۳.
۴. انعام، ۹۴؛ انفال، ۲۲، ۳۲؛ حج، ۳، ۹؛ لقمان، ۶-۷؛ معارج، ۱.
۵. کهف، ۲۸.
۶. بقره، ۲۲۴؛ نساء، ۱۲۵؛ توبه ۴۰ و ...
۷. بقره، ۲۱۲؛ انعام، ۱۲۲؛ رعد، ۱۹؛ و ...
۸. آل عمران، ۱۱۷، ۱۷۳؛ انفال، ۳۶.
۹. بقره، ۲۵، ۴۳-۴۱، ۴۶، ۱۸۹، ۲۰۷، ۲۶۵، ۲۷۴؛ آل عمران، ۱۵، ۶۱، ۱۹۱-۱۹۵ و ...
۱۰. آل عمران، ۶۱؛ دهر، ۵.
۱۱. بقره، ۴۶؛ نحل، ۴۱، ۱۰۶.
۱۲. بقره، ۱۸۷؛ نساء، ۸۳؛ انعام، ۱۲۲؛ حجر ۴۷؛ تحریم، ۴.
۱۳. بقره، ۲۱۵.
۱۴. نساء، ۷۷، ۱۲۰.
۱۵. مجادله، ۲۲.
۱۶. انفال، ۲۷.
۱۷. لهب، ۵-۱؛ انعام، ۲۶.
۱۸. لهب، ۵-۴.
۱۹. نساء، ۹۴.
۲۰. بقره، ۶۲؛ حجر، ۴۵.
۲۱. بقره، ۲۰۷؛ نحل، ۴۱.
۲۲. نساء، ۱۲۹؛ نور ۱۱-۲۷؛ تحریم، ۳-۴.
۲۳. بقره، ۲۷۸.
۲۴. آل عمران، ۷۸.
۲۵. کهف، ۲۸؛ هَمَزَة، ۹-۱؛ کافرون، ۶-۱.
۲۶. نحل، ۴۱، ۱۰۶.
۲۷. مائده، ۸۲-۸۵.
۲۸. آل عمران، ۲۸؛ نساء، ۲۵؛ ممتحنه، ۱.
۲۹. نور، ۱۱.
۳۰. تحریم، ۱، ۳-۴.

روشن است که قرآن قصد تاریخ‌نویسی در خصوص این حوادث، گروه‌ها و اشخاص را نداشته است؛ ولی غور و بررسی در این آیات می‌تواند اطلاعاتی قابل توجه و گاه منحصر به فرد را در اختیار قرار دهد.

قرآن به دلیل واجد بودن این ویژگی‌ها از همان ابتدا مورد رجوع مورخان تاریخ صدر اسلام بوده است و این گروه به اشکال مختلف، از این سند قدیم و معتبر، در تدوین آثار خود سود برده‌اند؛ گاه با نقل آیات آن، گاه با استناد به مفاهیم آیات و گاه به اشکال دیگر. چنان‌که گذشت، مورخ مشهور غزوات صدر اسلام، محمد بن عمر واقدی (د. ۲۰۷ ق) در کتاب المغازی پس از ذکر حوادث و جزئیات هر جنگ، تمامی آیات مربوط به آن را نقل کرده است. سیره‌نویس مشهور تاریخ اسلام، ابن هشام (د. ۲۱۳ یا ۲۱۸ ق) نیز همین کار را انجام داده و در کتاب خود ضمن گزارش وقایع صدر اسلام به فراوانی از آیات قرآن استفاده کرده است. با وجود این، کتمان نمی‌توان کرد که در مقایسه با سایر متون و مآخذ، قرآن هنوز چنان‌که شایسته است به‌عنوان یک سند اصیل و معتبر تاریخ صدر اسلام، مورد توجه دقیق قرار نگرفته است. سخن این نیست که برای مطالعه تاریخ این دوران، متون و مآخذ تاریخی را واگذاریم و تنها به قرآن اکتفا کنیم؛ بلکه سخن در تأکید بر این نکته است که در مطالعه این دوره، قرآن را به‌عنوان یک سند مستقل و اصلی - نه حاشیه‌ای - مورد توجه قرار دهیم و به استفاده از آیات تاریخی آن به‌عنوان مؤید سخنان مورخان بسنده نکنیم و این‌گونه بر وقایع و رخدادهای این دوره شعاع بیشتری از روشنایی بیفکنیم.

نتیجه

قرآن را به دلیل تباین روش اشارات آن به حوادث، گروه‌ها، اشخاص تاریخی و نیز عدم توجه به زمان روی دادن حوادث - به‌عنوان رکن مهم تعریف لفظی و اصطلاحی تاریخ - نمی‌توان کتابی تاریخ‌نگارانه قلمداد کرد. در برابر، این کتاب را به دلیل داشتن ویژگی‌هایی از قبیل قدمت، اعتبار و عدم تحریف، جایگاه خاص آن در میان همه مسلمانان که به آن توانایی حل اختلافات تاریخی را بخشیده و نیز اشتغال بر مطالبی خاص که معمولاً مورد توجه مورخان تاریخ صدر اسلام نبوده (از جمله حالات روحی مسلمانان و دشمنان ایشان و نیز اوضاع و شرایط محیطی و اجتماعی) باید سندی اصیل و منحصر به فرد از تاریخ صدر اسلام به شمار آورد؛ سندی که اگرچه با هدف تاریخ‌نگاری خلق نشده، حاوی اشارات مختلف و ارزشمند تاریخی است.

۱. بقره، ۲۵؛ آل عمران، ۱۵؛ رعد، ۱۹.

۲. احزاب، ۳۶-۴۰.

۳. احزاب، ۵، ۳۶-۴۰.

۴. نساء، ۶۵.

۵. مریم، ۷۷.

آنچه به طور خاص بر اهمیت این کتاب در این زمینه می افزاید، آن است که امروزه فیلسوفان تحلیلی و انتقادی تاریخ عقیده دارند: برای فهم حوادث تاریخی، اهمیت آثاری که با هدف تاریخ نگاری خلق نشده باشند، بسی بیش از کتاب های تاریخی است. در عین حال، باید بدین نکته نیز توجه داشت که همواره باید میان استفاده تاریخی از متن قرآن و استفاده از گزارش های کتب تفسیری - به عنوان شرح نزول آیات - تفاوت قائل شد و نباید اعتبار شأن نزول ها را که غالباً تحت تأثیر مسائل فرقه ای مطرح شده اند، هم پایه آیات قرآن قرار داد.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

ابن هشام، عبدالملک. السیرة النبویه. به تصحیح مصطفی السقا و دیگران. بی جا: دار القلم، بی تا.
آل داود، سیدعلی. «ابن اسحاق». در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۰-۵. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش.

بلاذری، ابوالحسن. فتوح البلدان. به تصحیح رضوان محمد رضوان. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۷۸.
بلاشر، رژی. در آستانه قرآن. ترجمه محمود رامیار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ ش.

جعفری، یعقوب. تاریخ اسلام از منظر قرآن. قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.

خرمشاهی، بهاءالدین. «تأویل». در دایرة المعارف تشیع، ۶۱-۵۸. تهران: نشر سعید محبی، ۱۳۷۳ ش.

خرمشاهی، بهاءالدین. «تحریف ناپذیری قرآن». در دایرة المعارف تشیع، ۱۴۳-۱۵۹. تهران: نشر سعید محبی، ۱۳۷۳ ش.

خویی، ابوالقاسم. البیان فی تفسیر القرآن. بی جا: بی نا، بی تا.

رادمنش، عزت الله. «مکتب تاریخی قرآن». در دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، زیر نظر حسن حضرتی، ۶۰-۲۱. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.

رامیار، محمود. در آستانه سالزاد پیامبر (ص). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

زریاب، عباس. سیرة رسول الله. تهران: سروش، ۱۳۷۰ ش.

زگار، سهیل. مقدمه بر سیرة ابن اسحاق. بی جا: دار الفکر، ۱۹۷۸.

سروش، عبدالکریم. «از تاریخ پیاموزیم». در تفرج صنع، ۲۷۳-۲۵۴. تهران: صراط، ۱۳۷۳ ش.

شهیدی، سیدجعفر. تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: علمی و فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳ ش.

طبری، محمد بن جریر بن یزید. تاریخ الطبری. بی جا: دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۸.

کافیجی، محمد بن سلیمان. «المختصر فی علم التاریخ». در تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، نوشته فرانتس روزنتال،

ترجمه اسدالله آزاد، بخش دوم، ۷۲-۵۵. مشهد: به نشر، ۱۳۶۸ ش.
مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. التنبيه و الاشراف. به تصحيح عبدالله اسماعيل الصاوى. قاهره: دار الصاوى،
بی تا.
واقدي، محمد بن عمر. المغازی. به تصحيح مارسدن جونس. بی جا: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۹.

